

دروغ سرچشمه همه گناهان

در روایات اسلامی دروغ به عنوان "کلید گناهان" شمرده شده است، علی (ع) می‌فرماید: «الصدق یهدی الی البر، و البر یهدی الی الجنة» (۹) "راستگویی دعوت به نیکوکاری می‌کند، و نیکوکاری دعوت به بهشت."

در حدیثی از امام باقر (ع) می‌خوانیم: «ان الله عز و جل جعل للشر اقفالا، و جعل مفاتیح تلك الاقفال الشراب، و الکذب شر من الشراب» (۱۰) خداوند متعال برای شر و بدی، قفل‌هایی قرار داده و کلید آن قفلها شراب است (چرا که مانع اصلی زشتیها و بدیها عقل است و مشروبات الکلی عقل را از کار می‌اندازد) سپس اضافه فرمود: دروغ از شراب هم بدتر است."

امام حسن عسکری (ع) می‌فرماید: «جعلت الخبائث کلها فی بیت و جعل مفاتها الکذب» (۱۱) "تمام پلیدیها در اطاقی قرار داده شده، و کلید آن دروغ است."

رابطه دروغ و گناهان دیگر از این نظر است که انسان گناهکار هرگز نمی‌تواند، راستگو باشد، چرا که راستگویی موجب رسوایی او است، و برای پوشاندن آثار گناه معمولاً باید متوسل به دروغ شود. و به عبارت دیگر، دروغ انسان را در مقابل گناه آزاد می‌کند، و راستگویی محدود.

اتفاقاً این حقیقت در حدیثی که از پیامبر (ص) نقل شده، کاملاً تجسم یافته، حدیث چنین است:

شخصی به حضور پیامبر (ص) رسید، عرض کرد نماز می‌خوانم و عمل منافی عفت انجام می‌دهم، دروغ هم می‌گویم! کدام را اول ترک گویم؟! پیامبر (ص) فرمود: دروغ، او در محضر پیامبر (ص) تعهد کرد که هرگز دروغ نگوید: هنگامی که خارج شد، و سوسه‌های شیطانی برای عمل منافی عفت در دل او پیدا شد، اما بلافاصله در این فکر فرو رفت، که اگر فردا پیامبر (ص) از او در این باره سؤال کند چه بگوید، بگوید چنین عملی را مرتکب نشده است، اینکه دروغ است و اگر راست بگوید حد بر او جاری می‌شود، و همین‌گونه در رابطه با سایر کارهای خلاف این طرز فکر و سپس خود داری و اجتناب برای او پیدا شد و به این ترتیب ترک دروغ سرچشمه ترک همه گناهان او گردید.

دروغ سرچشمه نفاق است

چرا که راستگویی یعنی هماهنگی زبان و دل، و بنا بر این دروغ ناهماهنگی این دو است، و نفاق نیز چیزی جز تفاوت ظاهر و باطن نیست.

در آیه ۷۷ سوره توبه می‌خوانیم: فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ: " (۱۲) اعمال آنها نفاقی در دل‌هایشان تا روز قیامت ایجاد کرد، به خاطر اینکه عهد خدا را شکستند و به خاطر اینکه دروغ می‌گفتند."

دروغ با ایمان سازگار نیست

این واقعیت نه تنها در قرآن بلکه در احادیث نیز ثابت می‌شود: در حدیثی چنین می‌خوانیم: سئل رسول الله (ص) یكون المؤمن جباناً؟ قال نعم، قيل و يكون بخيلاً؟ قال نعم، قيل یكون كذاباً؟ قال لا! " (۱۳) از پیامبر پرسیدند آیا انسان با ایمان ممکن است (گاهی) ترسو باشد فرمود: آری، باز پرسیدند آیا ممکن است (احیاناً) بخیل باشد فرمود: آری، پرسیدند آیا ممکن است کذاب و دروغگو باشد؟ فرمود نه!"

چرا که دروغ از نشانه‌های نفاق است و نفاق با ایمان سازگار نیست.

و نیز به همین دلیل این سخن از امیر مؤمنان (ع) نقل شده است:

«لا یجد العبد طعم الايمان حتى یترك الكذب هزله وجده» (۱۴)

"بنده ای مزه ایمان را نچشد تا دروغ را وانهد چه شوخی باشد و چه جدی."

دروغ نابود کننده سرمایه اطمینان است

می‌دانیم مهمترین سرمایه یک جامعه اعتماد متقابل و اطمینان عمومی است، و مهمترین چیزی که این سرمایه را به نابودی می‌کشاند دروغ و خیانت و تقلب است، و یک دلیل عمده بر اهمیت فوق العاده راستگویی و ترک دروغ در تعلیمات اسلامی همین موضوع است.

در احادیث اسلامی می‌خوانیم که پیشوایان دین از دوستی با چند طایفه از جمله دروغگویان شدیداً نهی کردند، چرا که آنها قابل اطمینان نیستند.

علی (ع) در کلمات قصارش می‌فرماید:

«ایاک و مصادقة الكذاب فانه كالسراب، یقرب علیک البعید، و یبعد علیک القریب» (۱۵)

"از دوستی با دروغگو پرهیز که او همچون سراب است، دور را در نظر تو نزدیک و نزدیک را دور می‌سازد. "

خدا نکند کسی معروف شود به دروغگویی که هیچ چیز شاید بیشتر از این به حیثیت انسان لطمه نمی‌زند. (۱۶)

البته سخن در باره زشتیهای دروغ و فلسفه آن و همچنین علل پیدایش دروغگویی از نظر روانی و طرق مبارزه آن بسیار زیاد است که باید آن را در کتب اخلاق جستجو کرد.

سوگند دروغ

یکی از موارد رواج دروغ، سوگند دروغ است. این عمل از زشت‌ترین گناهان و فاحش‌ترین عیوب است.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «هر کس سوگندی به خدا یاد کند که به اندازه بال‌پشه‌ای دروغ در آن باشد نقطه‌ای سیاه در قلبش پدید می‌آید و تا روز قیامت باقی می‌ماند»

حضرت رسول (ص) فرمودند: «چه خیانت بزرگی است که به برادرت چیزی بگویی که تو را تصدیق کند و تو به او دروغ گفته باشی»

پیامبر (ص) فرمودند: «سه گروهند که فردای قیامت خدا با آنها سخن نمی‌گوید و به آنها توجه نمی‌کند و آنها را از گناهانشان تزکیه نمی‌کند اول کسانی که چون چیزی ببخشند منت می‌گذارند دوم کسانی که کالای خود را با سوگند دروغ به فروش می‌رسانند و سوم انسانهای متکبر.»

دروغ در ردیف شرک به خدا

رسول گرامی اسلام (ص) فرمودند: «آیا شما را از بزرگترین گناهان خبر ندهم؟ بزرگترین گناه شرک به خدا و بد رفتاری نسبت به پدر و مادر و دروغ گفتن است» (۱۷)

دروغ از پستی انسان است

پیامبر (ص) می‌فرمایند: «دروغ گو دروغ نمی‌گوید مگر به سبب پستی نفسش» (۱۸)

دروغ هم گناه است و هم مقدمه فتنه‌ها

علی (ع): «دروغ انسان را به سوی بدیها هدایت می‌کند و بدیها نیز به سوی آتش جهنم» (۱۹)

تمام انبیاء دروغ را تحریم کردند

امام صادق(ع) فرموده اند: «خدای عزوجل انبیاء را مبعوث نکرد مگر به راستی سخن و اداء امانت به نیک و فاجر»
(۲۰)

دروغ سبب خرابی ایمان می شود

امام باقر(ع) می فرماید «دروغ ویران کننده ایمان است.»»

دروغ بدترین بیماری

حضرت علی(ع) می فرماید «بیماری دروغ، زشت ترین بیماری است» (۲۱)

روزی انسان در ارتباط با خدا

رسول گرامی اسلام(ص) فرمودند: «دروغ روزی انسان را کم می کند»

دروغ بدترین رباها

رسول خدا(ص) فرمودند: «بدترین و بالاترین رباها دروغ است» (زیرا در ربای اقتصادی سرمایه افراد از میان می رود لکن در دروغ اصل ایمان خدشه دار می شود و ربا خوار مالی دارد و آن را زیاد می کند و دروغ گو از هیچ، چیزی درست می کند). رَبِّي الرَّبِّاَ الْكُذِبُ (۲۲)

دروغ فراموشی می آورد

امام صادق(ع) فرمودند: «خداوند فراموشی را بر دروغ پردازان مسلط می سازد که انسان علاوه بر اینکه لازم است خود از دروغ گفتن بپرهیزد بایستی از همنشینی و دوستی با افراد دروغگو خودداری کند». قَالَ الصَّادِقُ(ع): إِنَّ مِمَّا أَعَانَ اللَّهُ بِهِ عَلَى الْكُذَّابِينَ النَّسِيَانَ (۲۳)

از امام صادق(ع) نقل شده که امیرالمومنین علی(ع) مکرر بالای منبر می فرمود «سزاوار است انسان مسلمان از دوستی با سه کس دوری کند: پر روی بی باک و تبه کار - احمق و دروغگو سپس درباره دروغگو فرمود زندگی

کردن با دروغگو برای تو سزاوار نیست چون سخنان تو را برای دیگران و سخنان دیگران را برای تو بازگو می کند و هرگاه داستانی را به پایان رساند ، داستان دیگری به آن می افزاید تا آنجا که اگر راست گوید کسی باور نکند».

امیرالمومنین علی(ع) در ضمن حدیثی به امام حسن مجتبی(ع) فرمود «از دوستی با دروغگو برحذر باش زیرا او مانند سراب است که در نظرت دور را نزدیک و نزدیک را دور می سازد»

امام باقر(ع) می فرماید: «خدای تعالی بر بدی ها قفل های فراوانی زده و شراب را کلید آن قرار داده است اما دروغ از شراب بدتر است».

پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمودند: «خیانت بزرگی است که با برادرت سخنی بگویی که او تو را تصدیق کند و تو به او دروغ گفته باشی (۲۴) و نیز می فرماید: دروغ روزی را کم می کند و ممکن است مومن هر خصلتی پیدا کند و حتی با همان خصلت بمیرد اما به خیانت و دروغ آلوده نمی شود».

امیرالمومنین(ع) فرمودند: «بزرگترین کژی ها و لغزشها نزد خدا زبان دروغ پرداز است».

امام باقر(ع) می فرمایند: «دروغ مایه ویرانی ایمان است».

آثار دروغ

دروغ به جز آثار سوء اخلاقی که در شاکله خود انسان دارد بنیان و شالوده جامعه را ویران می کند مثل موشهایی که سد سبا را با آن استحکام ویران کردند. دروغ در خانه ، دروغ در مدرسه ، دروغ در بازار و محله و اداره و ... نظام خانواده و مدرسه و بازار و اداره و... را از هم می پاشد. دروغ آثار زیانباری از جهت فرهنگی ، اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی به دنبال دارد.

• بی آبرویی: امام علی(ع): «الكذب یزری بالانسان» (۲۸)

• رسوایی : « والله مخرج ما کنتم تکتمون» (۲۹)

به قول علامه طباطبایی هر جزء نظام هستی با اجزاء دیگر و لوازمش مرتبط است . دروغگو اگر چیزی را پنهان کند لوازمش را چه کند لذا زود رسوا می شود. بر فرض گرگ یوسف را درید پیراهنش چرا سالم است؟ گندم کاشتی پس چرا جو سبز شد همین است که قرآن می فرماید: « إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ » (۳۰) « إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ » (۳۱)

• دروغ گو در اضطرار است

پیامبر(ص): «راستی آرامش است ولی دروغ هراس است» (۳۲) دروغگو در هیجان است که مبادا حرف امروزش با فردا تضاد داشته باشد

سرچشمه دروغ

همانطور که در سابق هم اشاره شد دروغ معمولاً از یکی از نقاط ضعف روحی سرچشمه می گیرد.

گاهی از ضعف ایمان که انسان خدا را شاهد نمی داند یا به خاطر تبرئه خود یا به قصد تفریح و شوخی: علی(ع): «بنده ای مزه ایمان را نچشد تا دروغ را وانهد چه شوخی باشد و چه جدی» (۳۳)

گاهی انسان به خاطر ترس از فقر، پراکنده شدن مردم از دور او، از دست دادن موقعیت و مقام دروغ می گوید. زمانی به خاطر علاقه شدید به مال و جاه و مقام و شهرت دیگری زبان به دروغ می گشاید و از این وظیفه نامشروع برای تامین مقصود خود کمک می گیرد. گاهی تعصب های شدید و حبّ و بغض های افراطی سبب می شود که انسان به نفع کسی که مورد علاقه اوست یا به زیان کسی که مورد نفرت و کینه او می باشد بر خلاف واقع سخن بگوید. زمانی برای آنکه خود را بیش از آنچه که هست بنمایاند و اظهار علم کند دروغ می گوید. ولی در تمام این صفات رذیله که ریشه صفت دروغ را تشکیل می دهد باید از کمبود شخصیت و ضعف ایمان نام برد.

یکی دیگر از عوامل مهم دروغگویی، احساس کمبود شخصیت و عقده حقارت است کسانی که گرفتار چنین عقیده ای هستند با انواع دروغها و لاف و گزافها حقارتی را که در خود احساس می کنند جبران می کنند. و گاهی نیز به خاطر عدم توجه به مضارّ دروغ و اهمیت راستگویی یا آلودگی محیط خانوادگی یا محیط اجتماع و معاشرین این رذیله در انسان ریشه می دواند.

تلقین - احساس کمبود - نجات یافتن - خجالت نابجا - دشمنی و حسد - طمع در مال و مقام - نقل همه چیز و پیش گویی ها از دیگر عوامل دروغگویی به شمار می آیند.

عذاب ویژه دروغگویان

دروغگو از نماز شب محروم است در نتیجه از برکاتی که این عبادت بزرگ دارد محروم می ماند که از آن جمله سعه رزق است. عیسی بن مریم (ع) فرمود: « کسی که دروغگویش زیاد شود حسن و جمال و وقارش نزد خدا و خلق از بین می رود به طوریکه مردم از او متنفر و منزجر می شوند» (۳۴)

خداوند او را هدایت نمی کند و راه حق را نشان او نمی دهد: «إن الله لا يهدي من هو مسرف كذاب» (۳۵)

دروغگو قابل رفاقت و برادری نیست. حضرت علی (ع): «مسلمان باید از دوستی و برادری دروغگو پرهیزد زیرا به سبب دروغ گفتن اگر راست هم بگوید باور نمی شود» (۳۶)

گوش دادن به دروغ

باید دانست همانطور که دروغ بر دروغگو حرام است نقل دیگری هم حرام و همچنین ثبت کردن و نوشتن یا خواندن و گوش دادنش هم حرام می شود

«سمّاعون للكذب» (۳۷) در مذمت گوش فرادادن به دروغ و با علم به اینکه دروغ است آن را می پذیرند چون اگر علم به دروغ بودن آن نداشته باشند صرف شنیدن دروغ صفت مذموم شمرده نمی شود

انواع دروغ

انواع و نمونههای متعددی را می توان نام برد اما به عنوان مثال چند نمونه را ذکر می کنیم

دروغهای نامرئی مانند نفاق و رشتهای خلاف واقع مثل اینکه کسی کتابخانه بزرگی دارد ولی فقط برای زیبائیش تهیه شده است.

دروغهای عملی مانند ریا و تکذیب حرف راست که این هم دروغ عملی است. نوشتن دروغ و اشاره دروغ و تدلیس یعنی زیبا جلوه دادن جنس هم از مصادیق این گروه اند.

دروغهای عادی و رایج مانند تعارفات معمولی و تعریف خواب با کم و زیاد کردن.

دروغهای مکتبی مانند: تعریف و کج فهمی و کتمان.

راه درمان دروغ

با توجه به عواملی که در ایجاد این صفت و ریشه دار ساختن آن موثر است راه درمان آن نسبتاً روشن خواهد بود و به طور کلی برای درمان این انحراف اخلاقی باید از طریق زیر اقدام نمود:

قبل از هر چیز باید مبتلایان را به عواقب دردناک و آثار سوء معنوی و مادی، فردی و اجتماعی این رذیله زشت متوجه ساخت و با تدبیر و تفکر در آیات قرآن کریم و سخنان پیشوایان بزرگ دین و تجزیه و تحلیل گذشته و گفتار بزرگان به این نکته برسید که دروغ در پاره ای از موارد هر چند نفع شخصی نیز داشته باشد نفعی آنی و زود گذر است. و هیچ سرمایه ای برای یک انسان در اجتماع بالاتر از سرمایه اعتماد و اطمینان مردم نسبت به وی نیست که بزرگترین دشمن آن همین دروغ است.

ایجاد شخصیت: یکی دیگر از موثرترین طرق درمان دروغ پرورش شخصیت در افراد است زیرا همانطور که دانستیم یکی از عوامل مهم روانی دروغ، احساس حقارت و کمبود شخصیت است و در حقیقت دروغ گفتن یک نوع عکس العمل برای جبران این موضوع است. اگر مبتلایان به دروغ احساس کنند صاحب نیروها و استعدادهایی در درون خود هستند که با پرورش آنها می توانند ارزش و شخصیت خود را بالا ببرند نیازی به توسل جستن به دروغ برای ایجاد شخصیت قلبی در خود نمی بینند به علاوه باید اینگونه افراد را متوجه ساخت که ارزش اجتماعی یک انسان راستگو بالاتر است از هر سرمایه مادی و چیزی با آن برابری نمی کند.

کوشش برای تقویت پایه های ایمان به خدا در دل مبتلایان و توجه دادن آنها به این حقیقت که قدرت خدا مافوق تمام قدرتهاست و قادر بر حل تمام مشکلاتی است که افراد ضعیف الایمان به خاطر آن به دروغ پناه می برند. راستگویان در برابر حوادث گوناگون بر خدا تکیه دارند ولی دروغگوها در این گونه موارد تنهائند.

و برای درمان دروغ راههای بسیاری وجود دارد که بویژه در کلام ائمه معصومین به آنها طی احادیثی اشاره شده است.

[1] نهج البلاغه صبحی صالح خطبه ۵۰

[2] آیت الله محمد رضا مهدوی کنی نقطه هایی آغاز در اخلاق عملی

[3] سید علی اکبر قرشی قاموس قرآن ج ۷

[4] سوره نساء آیه ۵۰ و مائده ۱۰۳ و یونس ۶۰ و ۶۹ و نحل ۱۱۶

[5] سوره غافر آیه ۲۸

[6] سوره واقعه آیات ۱ و ۲

[7] میرزا علی - آیت الله مشکینی ، درسهایی از اخلاق ص ۲۸۲

[8] سوره نحل آیه ۱۰۵

[9] مشکاة الانوار طبرسی صفحه ۱۵۷

[10] اصول کافی جلد ۲ صفحه ۲۵۴

[11] جامع السعادات جلد ۲ صفحه ۲۳۳

[12] سوره بقره آیه ۷۷

[13] جامع السعادات جلد ۲ صفحه ۳۲۲

[14] اصول کافی باب دروغ ج ۵ ص ۲۹۱

[15] نهج البلاغه کلمات قصار کلمه ۳۷.

[16] روح الله الخمينی چهل حدیث ص ۴۷۱

[17] ارشادالقلوب ج ۱ ص ۱۸۵

[18] اختصاص مفید ص ۲۳۲

[19] أمالی صدوق ص ۴۱۹

[20] کافی ج ۲ ص ۱۰۴

[21] غرر الحکم، ص ۲۲۰

[22] من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۷۷

[23] کافی، ج ۲، ص ۳۴۱

[24] عبدالله شبر، اخلاق عبادی ص ۲۳۲

[25] مکاسب محرمه شیخ انصاری ص ۲۶۵

[26] من لا يحضره الفقيه ج ۴ ص ۳۵۲ و وسائل الشيعه ج ۸ ص ۲۶۵

[27] بحار الانوار ج ۷۴ ص ۵۱

[28] غرر الحکم ص ۲۲۹

[29] سوره بقره آیه ۷۲

[30] سوره زمر آیه ۳

[31] سوره غافر آیه ۲۸

[32] کشف الغمه ج ۱ ص ۵۳۵

[33] اصول کافی باب دروغ ج ۵ ص ۲۹۱

[34] سید محمد هاشم دستغیب گناهان کبیره ص ۲۹۵

[35] سوره غافر آیه ۲۸

[36] اصول کافی باب دروغ ج ۵ ص ۲۹۳

[37] سوره مائده آیه ۴۱